

ماجرای محاکمه پیر لاوال

Vous m'avez compris
Comme si Vous aviez
Vécu Prés de moi pendant
de longues années .

گوی بشتل Guy Bechtel
نویسنده بیست سال بعد از مرگ لاوال در مقدمه
کتاب ۳۷۳ صفحه ای خود توضیح داده است
در اولین باری که لاوال در ۲۷ ژانویه ۱۹۳۱
بنخست وزیری رسیده بیش از یازده روز از
عمر او نمی گذشته و بهنگام اجرای حکم اعدام
فقط چهارده سال داشته است از طرفی فامیل
او هیچگونه رابطه و آشنائی با نخست وزیر
موصوف نداشته اند بنا بر این قضاوتش درباره
لاوال دور از حجب و بغض است .

مؤلف کتاب کسانی که لاوال را متهم
ساخته اند که با آلمان نازی بزیان فرانسه
همکاری داشته ذبح ندانسته چه معتقد است
لاوال هرگز علاقمند نبوده که مملکتش بدست
بیگانه اشغال گردد مضافاً بر اینکه سابقه
خدمات سی ساله اش با آنهمه مشاغل مهم اجتماعی
آنچنان بوده که نیازی به کسب قدرت و جاه
طلبی نداشته است .

بطوری که در مقدمه گذشت انگیزه
نگازنده در نوشتن این سلسله مقالات ناشی از
محاکمه و محکومیت و اجرای حکم اعدام
درباره پیر لاوال نخست وزیر فرانسه در زمان
جنگ بین الملل دوم بوده است که مسرا به
تحقیق و مطالعه در زندگی اجتماعی آن سیاست-
مدار معروف واداشته و ترجیح دادم که قبل از
بیان سایر مراحل نخست درباره چنین
محاکمه تاریخی نظریات محققین فرانسوی
را تشریح و به تجزیه و تحلیل علل و جهات
این امر و نتایج حاصله از آن پردازم .

در مقدمه ای که ژاک بارادوک Jacques
Baraduc وکیل مدافع لاوال در کتاب
معروف «پیر لاوال در برابر مرگ» نگاشته
آنچنان از وی تجلیل کرده که درخور ستایش
است و مخصوصاً از جمله ای که در نامه خدا -
حافظی قهرمان داستان در شب قبل از اعدام
بعنوان او تحریر نموده بصورت سند اقتضار
آمیزی ذکر کرده است .

عبارت جمله مذکور حاکی است که
د شما آنچنان مرا شناخته اید مثل اینکه سالیان
دراز است از نزدیک با من زندگی نموده اید .

ملت سازد و در برابر گلوله‌های سر بازان
فرانسوی جان سپارد!

بمقیده گاستن ژاکمن پیرلاوال آنچنان
کسی بود که در دسامبر ۱۹۳۹، اعلان جنگ
فرانسه را با آلمان بدون داشتن تجهیزات
کافی و صرفاً بخاطر دنباله روی از سیاست
انگلستان بکنوع دیوانگی می دانسته که سر-
انجام عواقب وخیم آن در سال ۱۹۴۰ دامنگیر
ملت فرانسه شده است و وی بناچار بارسنگین
مسئولیت را با قدا ساختن وجهه ملی خود
برای جلوگیری از اضمحلال بیشتر کشور در
برابر آلمان بیکه تاز و پیروزمند قبول نموده
حاضر بترك خاک وطن رنج دیده نشده است.
نویسنده ادامه می دهد که با محاکمه
غیر منصفانه و شرم آوری که در باب لاوال انجام
و منجر به محکومیت بمرگ این فرانسوی
شجاع و عاقبت اندیش شده است حتی دشمنان
وی هم بر آن صحنه نگذاشته اند.

مؤلف معتقد است که بدون شك باید
شخصیت واقعی چهره ای که به عشق فرانسه
وصلح بعد از نابودی کشور در سال ۱۹۴۰ به
ملت خود خدمت نموده و بجرم این سیاست به
جنایت و خیانت متهم و حتی حق دفاع را از وی
سلب ساخته اند بخوبی شناخته شود و از او
اعاده حیثیت بعمل آید.

بعد از ذکر این مقدمات اینک به
ماجرای دادرسی پرداخته می شود:
مقارن پایان جنگ و تسلیم آلمان نازی
در اوائل سال ۱۹۴۵ پیرلاوال که بمدت
یکسال در تبعید و اسارت آلمانها بسر می برده
ابتدا به ایتالیا فرار و از آنجا به این امید
که بیاس دوستی های گذشته مورد حمایت
مارشال فرانکو قرار خواهد گرفت با مادام
لاوال راهی اسپانیا می گردد ولی حکومت
وقت بر اثر فشار متفقین نمی تواند او را به

کتاب خاطرات گاستن ژاکمن
Gaston Jaquemin که با مقدمه ای
از دختر پیرلاوال در ۳۵۰ صفحه در اول
سپتامبر ۱۹۷۳ منتشر شده است محتوی
سلسله یادداشت هایی است که نویسنده تحت
عنوان زندگانی پیرلاوال از روز تولد تا زمان
مرگ به رشته تحریر در آورده و در ۱۵ اکتبر
۱۹۴۷ (درست دو سال بعد از اجرای حکم
اعدام) با تمام رسانیده و سپس به مادام لاوال
تقدیم داشته است.

نویسنده یادداشت ها که لیسانسیه علوم
سیاسی و دکترای ادبیات و مورخ با استعدادیست
بعد از پایان جنگ دوم جهانی در بلژیک
رحل اقامت می افکند و دارای مشاغل مهمی
می گردد سرانجام با درگذشت مادام لاوال
توفیق چاپ این سلسله یادداشت ها نصیب
دختر لاوال می شود.

وی در مقدمه می نویسد: این کتاب
بر ای کسانی که کور کورانه تصوراتی از پیر-
لاوال دارند سودمند واقع نمی شود بلکه بعد
از بیش از یک ربع قرن تمام فرانسویان با
حسن نیت که این نوشته ها را می خوانند و
با پدرم آشنا نبوده اند بخوبی او را می -
شناسند و برای اشخاصی که وی را همیشه آخته اند
تجدید خاطره ای می شود و بحکم تداعی معانی
یادش را گرامی می دارند.

نویسنده کتاب در سر آغاز اظهار نظر
نموده که هیچیک از رجال سیاسی نظیر پیر-
لاوال این چنین مورد بسی عدالتی و حق
ناشناسی اجتماع قرار نگرفته و اگر در
بعضی موارد شخصیهائی در طول تاریخ قربانی
بیدادگریهای شده اند بعداً جامعه در حقشان
قضاوت کرده و سریمأ اعاده حیثیت یافته اند
در حالی که پیرلاوال بجرم شنیع خیانت نا-
کرده محکوم شده تا جان خود را نثار راه

عنوان پناهنده سیاسی بپذیرد و پس از مدتی هوپیمائی در اختیارش می گذارند تا خاک اسپانیا را ترک گوید و بهر جا که مایل است روانه شود .

لاوال از آنجا با مادام لاوال باطریش عزیمت و بقوای آمریکا تسلیم می شوند اما بلافاصله در اختیار حکومت موقت فرانسه قرار می گیرند و بلادرنگ بهاریس اعزام و لدی الورد توقیف و بمحاکمه جلب می شوند البته بعداً از مادام لاوال رفع اتهام بعمل می آید لیکن پیر لاوال بزندان معروف فرسن Fresnes انتقال می یابد و در آنجا بانتظار محاکمه می نشیند .

در اولین روز مراجعه به بازپرسی که در ۲۱ اوت ۱۹۴۵ صورت می گیرد ژاک بارادوک وکیل لاوال می نویسد ، موسیو بوشاردن Mr . Bouchardon در دادگستری از او و آقای نو Naud یکی از وکلای دیگر لاوال بطریقه مؤدبانه ای استقبال میکنند و ضمن صحبت اظهار می دارد : « موکل شما انسان و رقیب القلب است » (Votre client Est humain et sensible) بارادوک می افزاید که بما اطمینان داده شده که بازپرسی طولانی خواهد بود .

در همان روز وکلای مدافع مسیو بتی (M . Bêteille) معرفی می شوند و نامبرده بر اثر محاکمه مارشال پتن آشکارا خسته بنظر می رسد و تصمیم گرفته است که بمرخصی برود و پس از مشاوره دو جلسه نخستین بازپرسی را برای روزهای ۲۵ و ۲۶ سپتامبر تعیین و پیش بینی می کند که تا ماه های اکتبر و نوامبر جریان بطول خواهد انجامید و تعداد جلسات بازپرسی با توجه بر تئوس موارد اتهام کمتر از ۲۵ جلسه نخواهد بود .

این تصمیم بعداً تغییر می یابد و در اولین روز بازپرسی (۲۳ اوت) از لاوال سؤال می شود که در سال ۱۹۲۵ يك هتل اختصاصی و در سال ۱۹۲۷ سازمان رادیویون و اموال دیگری را خریداری نموده که بر حسب نظر کارشناسان ارزش آن ۵۷ میلیون فرانک است باید توضیح بدهد که اینها را از چه محلی خریده و با باصطلاح از کجا آورده است !

لاوال پاسخ می دهد که کارشناس انتخابی فردی ناشی و بی اطلاع است زیرا وی هتل اختصاصی « ویلا سعید » را در سال ۱۹۲۵ از محل صرفه جوئی های حق الوکاله بمبلغ سیصد و پنجاه هزار فرانک خریده است . در خصوص رادیویون و سایر سهام ضمن ارائه سند وام مربوطه اظهار می دارد باور بفرمائید که مطلقاً از طرح اینگونه سئوالات جواب بدان ناراحت نیستم و خیلی از عنوان نمودن آن محفوظ شده ام چه هرگز دستهایم بفساد آلوده نبوده است .

بعد از لاوال راجع بانضمام آلزاس و لرن به آلمان و قوانین مربوط به یهودیان و آزار و شکنجه بر علیه فران ماسون ها و دستمزدها و غرق ناوگان فرانسه سؤال می شود و وی می گوید طی یادداشتی جواب را خواهد داد .

در خاتمه اولین جلسه بازپرسی پیر - لاوال معتقد می شود که تصمیمات از قبیل اتخاذ شده و وکیل خود را در جریان می گذارد که بازپرسی و محاکمه چیزی جز صحنه سازی نیست و وی محکوم و (قبل از انتخابات عمومی اواخر سال ۱۹۴۵) معدوم خواهد شد .

بارادوک در خاطرات خود می نویسد گوئی لاوال درباره شخص ثالثی سخن می گوید که مطلقاً احساس ناراحتی واضطراب ندارد .

در مقالات روز ۲۴ اوت لاوال خاطرات دوران تبعید خود را در سیکمارنژان «Sigmaringen» و خطر تبعید بسببیری رادرفوایمر ۱۹۴۴ با بارادوک در میان می گذارد .

در این مرحله لاوال برای اولین بار در طول عمرش از انجام هر کاری سر باز می زند و در مصاحبه با یک روزنامه نگار سوئیسی که می پرسد آیا بچه کار اشتغال دارید ؟

Qu'est ce que vous faites ؟
جواب داد من هیچ کاری را انجام نمی دهم . je ne fais rien
در جواب سؤال که آیا بچه می گوئید ؟
Qu'est - ce que vous dites ؟
پاسخ می دهد چیزی برای گفتن ندارم ،

کاری انجام نمی دهم و تنها درباره فرانسه می اندیشم Je ne dis rien , je ne fais rien ,,,, je pense la France .

در روز ۲۵ اوت ۱۹۴۵ لاوال طی یادداشتی اعتراض آمیز خطاب به مسیو بوشاردن می نویسد :

« انجام محاکمه درباره کسی چون من و آن هم با رفتاری خشونت آمیز نمی تواند عنوان یک دادرسی واقعی را داشته باشد و چنین بنظر می رسد که این تشریفات ظاهری برای صحنه گذاشتن بر امر محکومیتی است که از قبل تصمیم لازم نسبت به آن اتخاذ شده و بهمین سبب است که بمن تضمین و اطمینانی برای دفاع از خود داده نمی شود . »

لاوال به بارادوک می گوید از عجایب آنکه در زمان اشغال فرانسه همین آقای بوشاردن از من تقاضا کرده بود که بنفع

فرزند وی مداخله نمایم و سپس از نماینده مجلسی که مأموریت چنین درخواستی را داشته است نام می برد .

در بعد از ظهر روز ششم سپتامبر بازپرسی مختصری توسط مسیو بتی درباره یهودیان صورت می گیرد و ضمن سئوالات باطلاع لاوال می رساند که چرا قانون هشتم مه ۱۹۴۲ بر علیه یهودیان با مصافه رسیده است ؟ لاوال پاسخ می دهد که این مقررات در سال ۱۹۴۱ که وی در حکومت دخالتی نداشته و از کار بر کنار بوده بتصویب رسیده .

بازپرس وقتی از سؤال بی حاصل خود بزبان نخست وزیر سابق نتیجه ای نمی گیرد می گوید مهم نیست از آن صرف نظر می شود در اینجا لاوال پاسخ می دهد اگر قضیه اهمیت نداشته چرا آن را مطرح ساخته اید ؟

جلسه دیگر بازرسی در هشتم سپتامبر انجام می گیرد در این روز بازپرس از زیرکی و هوشیاری و حاضر جوابی لاوال متعجب می شود و می گوید خداوند تاجه حد بشما هوش و فراست داده . لاوال بلافاصله جواب می دهد اگر صاحب هوش و فراست بودم هرگز بعنوان متهم در برابر شما نمی نشستم ! و باید بگویم آقای قاضی عالیقدر شما با هوش و ذکاوت هستید که همیشه این مقامات را حتی در ریوم «Riom» برای خود حفظ کرده اید (ظاهرأ مقصود لاوال همکاری و خدمت مسیو بتی در حکومت ویشی است) .

بازپرس پاسخ میدهد که آنجا را به من تحمیل کرده بودند لاوال در جواب می - گوید که مطمئناً بشما تحمیل می شود ! و من آرزو مندم که امروز انجام استنطاق (بازپرسی) مرا بشما تحمیل نکرده باشند ! (ادامه دارد)